



خلاصه کتاب
هنر تحریرم‌ها
نگاهی از درون میدان



بنیاد فرهنگی خاتم‌الارضیا
معاونت شبکه‌سازی
و هدایت عملیات



معرفی کتاب و نویسنده آن

ریچارد نفیو، مسئول تیم طراحی تحریم‌ها علیه ایران، منجر به برجام، در دوره دوم اوباما و چهره اصلی تیم پشتیبان مذاکره‌کنندگان این توافق در امور تحریم‌ها در وین بوده است. نفیو پیش از آن، به مدت ده سال مسئول امور ایران در شورای امنیت ملی در کاخ سفید و قائم‌مقام هماهنگی سیاست تحریم در وزارت خارجه ایالات متحده بوده است. در حقیقت، نفیو را می‌توان فرمانده چریک‌های کت‌وشلواری جنگ تحریمی ایالات متحده علیه ایران خطاب کرد.^۱ نفیو در کتاب "هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان" به تشریح چارچوب فکری و عملی خود در طراحی تحریم‌ها علیه ایران با هدف افزایش حداکثری تأثیر و موفقیت آن‌ها می‌پردازد. این کتاب، به دلیل آنکه نه از بعد نظری یا دانشگاهی، بلکه با دیدی کاملاً عمل‌گرایانه و معطوف به مسئله تحریم‌گذاری می‌پردازد و توسط مسئول طراحی تحریم‌های ایران نوشته شده، از آثار دیگر در این زمینه متمایز است. این کتاب، در آستانه سال ۱۳۹۷ شمسی در آمریکا منتشر شده و از این بابت نیز در ارتباط با تحولات مرتبط با ایران، تازگی دارد.

چکیده کتاب

نویسنده در این کتاب به بیان نوع نگاه خود به تحریم‌ها از منظر دوگانه «درد/استقامت» می‌پردازد. وی توضیح می‌دهد که درد تحریم‌ها را چه زمانی، چگونه و بر کجا می‌توان وارد کرد و در عین حال، استقامت طرف مورد تحریم را چگونه و بر اساس چه شاخص‌هایی می‌توان سنجید و تحریم‌ها را چگونه متناسب با این شاخص‌ها، تنظیم و باز تنظیم کرد که بیشترین تأثیر را بر جای بگذارد به طوری که در نهایت دیپلماسی وارد شده و نفع حداکثری را برای تحریم‌گذار به ارمغان بیاورد.

نویسنده در جای جای کتاب خود نشان می‌دهد که تحریم‌گذاری به عنوان ابزار استراتژیک در دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده، نه امری صرفاً فنی، بلکه بیشتر هنر تصمیم‌گیری و به کار گرفتن خلاقانه ابزارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این مورد است. به عنوان مثال، نفیو نشان می‌دهد که چگونه در عین تحریم اقلام مختلف، واردات کالاهای لوکس را از تحریم مستثنا کرده تا به احساس اجتماعی تحریم شدگی بیشتر دامن بزند، یا مثلاً چگونه افزایش قیمت مرغ در ایران، موضوعی که هدف تحریم نبوده، به افزایش فشار تحریم‌ها کمک کرده است یا مثلاً چطور واردات برخی اقلام را منع نکرده تا ذخیره ارزی ایران با سرعت بیشتر و زودتر تحلیل برود و ...

نتیجه کلی کتاب برای مخاطب ایرانی و سیاست‌گذاران می‌تواند این نکته باشد که اولاً تحریم‌گذار تحریم را به عنوان ابزار اصلی و ثابت در جعبه‌ابزار تعامل خود با کشورهای دیگر می‌داند و این امر با اقدامات مقطعی قابل‌رفع نیست، چنانکه در مواعد و زمینه‌های مختلف قابل‌استفاده مجدد است و ثانیاً و مهم‌تر از آن اینکه: آنچه سرنوشت جنگ

۱. خوان زاراته، معاون مدیریت مبارزه با تروریسم و جرائم مالی در خزانه‌داری آمریکا، در کتاب خود با عنوان جنگ خزانه، از کارشناسان تحریم ایران

به عنوان چریک‌های کت‌وشلواری دولت ایالات متحده یاد می‌کند.



تحریمی را مشخص خواهد کرد «هنر استقامت» در ابعاد مختلف آن و به‌کارگیری روش‌های مختلف سنتی و خلاقانه است که در گام آخر می‌تواند نفع دیپلماتیک را برای کشور تحت تحریم رقم زند و بدون ساختن بستر استقامت، شروع از گام آخر می‌تواند نتایج معکوس به بار آورد.

خاطره نفیو از به ثمر نشستن برجام

در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ (۳ آذر ۱۳۹۲) روزی که برنامه اقدام مشترک با ایران^۲ (JPOA) به نتیجه رسید. ساعت حدود ۳ بامداد بود. مدت زیادی بود که درست نخوابیده بودم و روز، شب و اوایل بامداد قبل از آن هم لحظات تا حدودی پرتنش را سپری کرده بودم. بعد از توافق آنچه به‌وضوح در خاطرمان مانده، تبادل ایمیلی است که با دو نفر از همکارانم در وزارت خارجه، کورت کسلر و گئوف اودلوم انجام دادم. آن‌ها به من بابت نقشی که در گفتگوهای پشت پرده منجر به برجام داشتم تبریک گفتند و من به آن‌ها گفتم که این به من و یا حتی افرادی که در ژنو جمع شده بودند تعلق ندارد، بلکه این یک برد تیمی و ناشی از همکاری میان افسران اطلاعاتی، نظامیان، کارشناسان غیرنظامی، تحریم‌گذاران، کارکنان کنگره و دیپلمات‌ها بود که در راستای رسیدن به یک هدف مشترک تلاش کرده بودند.

شش مرحله اصلی برای موفقیت تحریم‌ها

می‌توانیم چهارچوبی را برای کشورهای تحریم‌گر تعریف کنیم که بتوانند به اهداف خود برسند. این چهارچوب ۶ مرحله‌ای از گام‌های زیر تشکیل شده است:

۱. شناسایی اهداف اعمال تحریم و تعریف گام‌های بازگشتی حداقلی از طرف کشور هدف به طوری که آن کشور بتواند از طریق آن‌ها فشار را از روی خود بردارد.
۲. درک حداکثری ماهیت کشور هدف از جمله آسیب‌پذیری‌ها و منافع و تعهدش به هر آن کاری که باعث تحریم‌ها شده است و آمادگی آن کشور برای جذب فشار.
۳. ایجاد راهبردی دقیق، روشمند و دارای بازدهی برای افزایش تدریجی فشار بر نقاطی که آسیب‌پذیری در آن وجود دارد در عین اجتناب از نقاطی که آسیب‌پذیری ندارند.
۴. رصد اجرای تحریم‌ها و ارزیابی دوباره و مستمر فرضیات ابتدایی موجود در مورد استقامت کشور هدف، اثرگذاری تحریم‌ها در پایین آوردن این استقامت و چگونگی بهبود دادن راهبرد تحریم.
۵. ارائه یک نقشه راه مشخص به کشور هدف در مورد شرایط لازم برای رفع تحریم‌ها و همچنین پیشنهاد دنبال کردن مذاکره برای رسیدن به توافقی که بتواند فشار تحریم‌ها را کنار بزند، در عین اینکه نیازهای کشورهای تحریم‌کننده را برطرف کند.
۶. پذیرش این واقعیت که فارغ از خوب بودن نظام تحریم‌ها، کشور تحریم‌کننده ممکن است به دلیل نواقص ذاتی موجود در راهبرد یا عدم درک مناسب از هدف یا بالا رفتن استقامت کشور هدف در تحریم‌های خود با شکست مواجه شود. در

۲. همچنین موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک یا JCPOA



هر حالت یک کشور باید آمادگی پذیرش شکست یا تغییر مسیر را داشته باشد یا به مسیر فعلی خود ادامه داده و ریسک تبعات بلندمدت آن را به جان بخرد.

چرایی اعمال تحریم‌ها

نفیو هدف از اعمال تحریم‌ها را اینگونه ذکر می‌کند: «هدف از اعمال تحریم‌ها ایجاد سختی است یا به عبارت بهتر ایجاد درد و ناکامی، به‌نوعی که کشور هدف تحریم‌ها رفتار خود را تغییر دهد. نفیو توضیح می‌دهد که دلیل از اصطلاح اعمال درد برای تحریم‌ها استفاده می‌کند که هر فردی در صورت وجود درد سعی می‌کند از وجود آن رهایی یابد. «درد ایجاد اختلالی می‌کند که بسیاری از افراد می‌خواهند از آن اجتناب کنند.

در ادامه نفیو در طراحی تحریم‌ها و اعمال درد از ایجاد خشونت برای رسیدن به هدف هم مینویسد: «هدف تحریم‌ها همیشه ایجاد شرایط نامطلوب برای کشور و نهاد هدف است. این نهادها و کشورهای هدف باید درد را چنان لمس کنند که درنهایت مجبور به انجام رفتار دیگری شوند. در این حالت تحریم‌ها نوعی خشونت هم با خود دارند و در ادامه ذکر می‌کند «اگر ما دارو و غذا را تحریم نکنیم جلوه تبلیغاتی و حقوق بشری بهتری برای ما دارد اما اگر غذا و دارو را بر آنها تحریم نکنیم جامعه ایران متحمل درد نخواهد شد و ما (آمریکا) به هدفمان نخواهیم رسید.

- در سطح راهبردی و سیاست‌گذاری، اعمال درد از طریق تحریم‌ها هدف یکسانی با عملیات نظامی دنبال می‌کند و آن ایجاد محرک‌های یکسان در طرف مقابل است به‌طوری‌که آن طرف مقابل یا مقاومت کند و یا از پا بیفتد. به عبارت بهتر یا راه سازش را در پیش بگیرد و یا راه بسیار دشوار تقابل را.
- وقتی شما توانایی کشور برای به دست آوردن ارز خارجی را از طریق صادرات کاهش می‌دهید، طبیعتاً فشار بر واردات آن کشور را به‌خصوص در زمینه‌ی غذا و دارو افزایش می‌دهید. درست است که یک تحریم‌کننده می‌تواند ادعا کند که مسئولیت تنظیم واردات یک کشور با خود آن کشور است و آن کشور می‌تواند از تقابل به‌صورت کلی پرهیز کند، اما این نافی دردناک بودن تحریم‌ها نیست، خصوصاً در میان عامه مردم و نمی‌توان گفت که تحریم‌ها هیچ نقشی در ایجاد چنین بحرانی نداشته‌اند.
- هدف غایی از اعمال تحریم‌ها درد و تغییر در سیاست‌های کشور هدف است و اگر بخواهیم بعضی از این دردها و فشارها را از برنامه تحریم برداریم ممکن است جنبه تبلیغاتی بهتری پیدا کند، اما هدف تحریم‌ها و کارایی و اثرگذاری آن در جنبه عملی از بین خواهد رفت و اگر تحریم‌کننده بخواهد مسائل بشردوستانه را نیز مدنظر قرار دهد، عملاً دردی که از تحریم‌ها به وجود می‌آید را نیز کاهش داده است.

استقامت در مقابل تحریم‌ها

پاسخ به این سؤال در درک آثار تحریم‌ها و درد ناشی از آن‌ها به کشور هدف بستگی دارد، به‌خصوص اینکه پاسخ کشور هدف و چگونگی پذیرش، استقامت و رویارویی با درد اعمال‌شده از کشور تحریم‌کننده چگونه خواهد بود؟ استقامت



بهترین تعریفی که می‌تواند داشته باشد همان قاطعیت روان‌شناختی کشور هدف برای انکار پیروزی کشور تحریم‌کننده و همچنین ادامه دادن به مسیری است که برای خود انتخاب کرده است. اساسا تحریم‌ها با هدف تحت‌الشعاع قرار دادن این قاطعیت و عزم روان‌شناختی ایجاد شده است.

- کشورها می‌توانند راهبردهای مختلفی را برای مدیریت و مقابله با فشار وارد شده به کار ببرند. می‌توانند این فشار و درد را بپذیرند، با آثار آن کنار بیایند و یا فارغ از همه این مسائل به راه خود ادامه دهند. آن‌ها می‌توانند این فشار را نفی کنند و مسیرهایی را به وجود بیاورند تا از آثار آن بگریزند، نظیر قاچاق و ایجاد یک نظام مقابله با تحریم‌ها از طریق کشورهای دیگر و یا ترکیبی از همه این‌ها به طوری که با فشار انس گرفته و خود را با آن منطبق کنند، هر جا لازم بود آن را بپذیرند و حتی از منافع آن استفاده کنند به طوری که بتوانند فعالیت‌های جدید اقتصادی یا همکاری‌های جدید سیاسی را ایجاد کنند.
- در برخی از موارد عدم درک درست از شرایط ملی یک کشور می‌تواند به اعمال تحریم‌هایی منجر شود که استقامت طرف مقابل را تقویت می‌کند. به عبارت بهتر تحریم‌هایی وضع می‌شود که کشور هدف از آن‌ها استقبال می‌کند، چراکه وضعیت اقتصادی و سیاسی درون آن کشور را بهبود می‌دهد و حتی جایگاه بین‌المللی آن کشور را نیز ارتقا می‌بخشد.
- اعمال تحریم‌ها در حال حاضر یک نوع جنگ خروس است که در آن هر طرف این جرئت را پیدا می‌کنند که بر صورت طرف مقابل چنگ بیندازند و آسیبی را به طرف مقابل وارد کنند.

اعتراف به صلح‌آمیز بودن انرژی هسته‌ای ایران

آنچه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به آن رسیده بود اینکه مواد پیداشده در ایران مطمئنا می‌توانستند برای تولید سلاح به کار گرفته شوند، اما هدف اصلی آن‌ها تولید انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بوده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چنین نتیجه گرفت که تا سال ۲۰۱۳ همه مواد هسته‌ای اعلام‌شده در ایران مورد بررسی قرار گرفتند و می‌توان استدلال کرد که این مواد به هیچ‌وجه دچار انحراف به سمت فعالیت‌های ممنوعه نبوده است.

- تحریم‌های اقتصادی: پراستفاده‌ترین نوع از تحریم‌هاست و شاید بتوان گفت بیشترین اثر و ضربه را در کشور هدف ایجاد می‌کند. این نوع تحریم‌ها را می‌توان به بخش‌های مختلفی تقسیم کرد. مثلا اقدامات خاصی که آسیب‌پذیری‌های مالی کشور هدف را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا آن‌هایی که کالاهای مهم کشور دیگری را تحریم می‌کند. هدف این تحریم‌ها وارد آوردن آسیب به توانایی کشور هدف در دسترسی و استفاده از منابع اقتصادی است به طوری که بتواند رفتار موردانتقاد آن کشور را به صورت مستقیم تحت تأثیر قرار دهد و او را از فرصت‌ها و ابزارهای اقدام اقتصادی محروم کند و جرائمی را بر وی وارد آورد. با در نظر گرفتن اهمیت این دسته از تحریم‌ها می‌توان گفت دو مسیر کلی و خاص برای اعمال آن‌ها وجود دارد: یکی تصمیمات مرتبط با فعالیت‌های تجاری و معاملات و دیگری فعالیت‌های مالی. تحریم‌های مال شیوه جدیدی از اعمال تحریم هستند که از مزیت هرچه جهانی‌تر شدن بازارهای ارز استفاده کرده و جریان‌های مالی و فرآیندهای بیمه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. تحریم‌های مالی کمتر بر کالاها و اجناس تجاری تمرکز می‌کنند و بیشتر بر نحوه انجام تجارت تمرکز دارند چراکه فرض اصلی این است که زیرساخت انجام فعالیت‌های تجاری مذکور، جریان‌های مالی است که در



دنیا وجود دارد و برای ایالات متحده و اروپا این مسئله نیز مهم است که کشورهای غربی نقشی مرکزی و کانونی در این روندهای مالی ایفا می‌کنند. آمریکا از سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ از تحریم‌های مالی و تهدید قطع کردن کشورها از شبکه خدمات مالی خود به‌عنوان ابزاری برای تحریم استفاده کرده است.

- با هدف قرار دادن اعتبارنامه‌ها و ضمانت‌نامه‌های صادراتی، آمریکایی‌ها تلاش می‌کردند پایه اقتصادی که معاملات با ایران بر مبنای آن انجام می‌شد و سودآور بود را تحت‌الشعاع قرار دهند. در اینجا نیز آمریکایی‌ها تلاش کردند از اطلاعات موجود در مورد ایران به فعالیت‌های تجاری درون این کشور و بین این کشور با سایر کشورها نهایت استفاده را ببرند.

بالا بردن تدریجی تحریم‌ها

اگر تحریم‌ها را تدریجی بالا ببریم در واقع نوعی آستانه فشار را تعریف کرده‌ایم که می‌توانیم اقدامات محتمل دیگر را نیز طراحی کنیم. فشار و درد ناشی از تحریم‌ها نمی‌تواند منبع بی‌نهایتی از اهرم‌های فشار باشد، بلکه ارزش و مقدار مشخصی دارد. گاهی نیز ممکن است استفاده از فشار ناشی از تحریم‌ها به‌عنوان یک اهرم ارزش کمتری پیدا کند که این مسئله بیش از هر چیز به استقامت کشور تحریم شده و ماهیت آن بستگی دارد.

ارزیابی سطح درد اعمال شده و چگونگی احساس شدن آن

سنجش و اندازه‌گیری فشار می‌باید به نسبت با مقادیر تعریف شده و آسیب‌پذیری‌های کشور هدف سنجیده شود و این نکته فهمیده شود که چه تحریم‌هایی چه هزینه‌هایی برای کشور هدف دارد. بنظر من می‌باید الگوی استاندارد و معیار مناسبی ایجاد شود تا این آسیب‌پذیری‌ها شناسایی شوند. ایجاد این الگو بدون داشتن اطلاعات کافی از خصوصیات ملی کشور هدف امکان‌پذیر نخواهد بود. یک روش برای سنجش، به دست آوردن نوعی برآورد از اولویت‌های ملی کشور هدف و اعتبار و جایگاه آن کشور است و اینکه چگونه می‌توان به آن‌ها صدمه زد. عوامل کلیدی در به دست آمدن این ارزیابی می‌تواند هشت مورد زیر باشد.

عوامل مؤثر	توضیحات
ماهیت نهادهای سیاسی در کشور هدف	آیا کشور هدف دارای سیستم دموکراتیک است یا خیر؟ آیا گروه‌های سیاسی در آن کشور در امور جاری مملکت حرفی و اثری دارند یا اینکه یک گروه حاکم همه تصمیم‌ها را اتخاذ می‌کند؟ عناصر مختلف در آن کشورها و در سیستم حکومتی دارای چه میزان قدرتی هستند؟
سازوکار کلان اقتصادی و سیستم مالی و آسیب‌پذیری‌های آن	کشور مورد تحریم یک اقتصاد پیشرفته است و در درون نظام بین‌المللی قرار دارد یا یک اقتصاد در حال ظهور که سعی می‌کند جای خود را در جهان پیدا کند؟ اقتصاد مربوطه باز است یا بسته، خصوصی است یا دولتی؟ نابرابری اقتصادی به چه صورت است؟
ماهیت روابط تجاری کشور موردنظر	✓ یک کشور در برابر اشکال مختلف فشار اقتصادی چه نوع آسیب‌پذیری‌هایی دارد. اگر یک کشور صرفاً به یک یا دو کشور دیگر برای تجارت خود وابسته است، آنگاه



توضیحات	عوامل مؤثر
<p>نظام تحریم‌ها می‌باید تلاش خود را برای اعمال فشار بر مجموعه کوچک‌تری از اقتصاد قرار دهد. اگر در مقابل کشور با تمام نقاط جهان تجارت می‌کند بهتر است تحریم‌ها در یک یا دو حوزه خاص اقتصادی متمرکز شود و تلاش شود توان کشور هدف برای انجام معامله در آن حوزه‌ها کاهش پیدا کند.</p> <p>✓ اگر اقتصاد کشور بسته است اعمال فشار از طریق منابع اقتصادی به صورت صرف سخت‌تر خواهد بود و ممکن است کارایی لازم را نداشته باشد. یا مثلاً کشوری که دارای اوتارکی یا خودبسندگی سیاسی و اقتصادی است شاید از لحاظ اقتصادی ضعیف باشد، اما به لحاظ دفع فشارهای خارجی قدرت بالایی دارد.</p>	
<p>آیا جمعیت ساکن در کشور هدف انگیزه‌های مادی بالایی دارند یا خیر؟ آیا کشور مذکور و جمعیت آن به ارزش‌های سنتی و مذهبی خود در حوزه شهادت و فداکاری پایبندند؟ آیا برای آن مردم، نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل و سایر نهادها مشروعیت و اعتبار لازم را دارند یا خیر؟</p> <p>گاهی ممکن است ارزش‌های فرهنگی دچار اغراق و غلو شود و ارزیابی آن‌ها باید با دقت کافی انجام شود. مثلاً اگر کشوری پایبند به فرهنگ مذهبی و ایثارگری و روحیه شهادت‌طلبی است، نباید گمان کرد که درد ناشی از تحریم‌ها در آن کشور احساس نخواهد شد، چه اینکه حافظه تاریخی بلندمدت نمی‌تواند دفاع کاملی در برابر سختی‌ها و دشواری‌های زندگی تا ابد باشد.</p> <p>برخی در بحبوحه طراحی تحریم‌ها می‌گفتند مذهب شیعه ویژگی‌هایی دارد که شهادت را می‌ستاید و حتی رنج کشیدن در آن مجاز شمرده شده است؛ اما آنچه در عمل اتفاق افتاد این بود که ایرانی‌ها نتوانستند پاسخی به تحریم‌های اقتصادی بدهند. نگارنده توصیه می‌کند که فاکتورهای فرهنگی در ارزیابی تحریم‌ها لحاظ شود، اما این هشدار را هم می‌دهند که همیشه باید مرز مشخصی میان عناصر معنادار آگاهی ملی از یک سمت و کلیشه‌ها در سمت دیگر ایجاد بکنیم تا بتوانیم ارزیابی دقیقی داشته باشیم.</p>	ارزش‌های فرهنگی
<p>آیا کشور موردنظر دهه‌ها در جنگ بوده است یا دوره طولانی مدت صلح را پشت سر گذاشته است؟</p> <p>کشوری که مثلاً در جنگ پیروز از میدان خارج شده و کمتر آسیب دیده است می‌تواند مقاومت بیشتری در برابر فشارها اعمال کند تا کشوری که سال‌ها جنگیده و جان و مال زیادی از دست داده است، البته جنگ تنها عامل کلیدی در تاریخ اخیر نیست، بلکه وقایع دیگر نظیر تحولات عمیق سیاسی، بلایای طبیعی، رکودهای اقتصادی و ... نیز می‌توانند در این ارزیابی نقش کلیدی داشته باشند.</p>	تاریخ اخیر



توضیحات	عوامل مؤثر
آیا جمعیت کشور مذکور توازن لازم میان جوانان و افراد مسن یا بین مرد و زن را دارد یا خیر؟ ممکن است کشور مدنظر بسیار پیر یا بسیار جوان باشد، از یک گروه جنسی جمعیتی بیشتر از گروه دیگر برخوردار باشد. برخی از انواع فشارهای اقتصادی به صورت خاص می‌توانند جمعیت هدف جوان را بیشتر از جمعیت پیر تحت تأثیر قرار دهند، نظیر تحریم‌هایی که به بیکاری به جامعه هدف منجر می‌شوند و شغل‌های بخش صنعتی و تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تحریم‌های مسافرتی خصوصاً آن‌هایی که آزادی حرکت افراد جوان و جمعیت شهری و دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهند نیز از همین دسته‌اند که می‌توانند در دسرهای مختلفی برای کشورها ایجاد کنند.	جمعیت‌شناسی
آیا کشور موردنظر به منابع بیرونی اطلاعات دسترسی دارد تا از آن طریق بتوان بر برنامه‌های ملی تبلیغاتی کشورها و دستگاه‌های شایعه‌سازی داخلی غلبه کرد؟ آیا بخش‌هایی از جمعیت دسترسی آزادانه به اطلاعات دارند و می‌توانند استدلال‌های دولت خود را به چالش بکشند؟ یا اینکه اساساً دسترسی به چنین اطلاعاتی در حکم یک جرم تلقی می‌شود؟ اساساً اگر دسترسی آزادانه به اطلاعات وجود داشته باشد، کشور تحریم‌کننده دارای یک مزیت خواهد بود.	دسترسی به منابع بیرونی اطلاعات

● کشورها اساساً برخی منافع را در گذر زمان نسبت به سایر منافع ترجیح می‌دهند. اولویت‌ها در گذر زمان و با تغییراتی که اتفاق می‌افتد عوض می‌شود، جایگاه اولویت‌ها نیز می‌تواند تغییر کند؛ اما رسیدن به درک کامل‌تر از این اولویت‌بندی‌ها برای ایجاد یک نظام تحریمی مؤثر نیازمند اقدامات بیشتری است. در این زمینه شواهد مختلف می‌تواند کمک زیادی را انجام دهد نظیر سرفصل‌های زیر که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت:

- تخصیص‌های بودجه،
- بیانیه‌ها و مواضع سیاسی،
- اقدامات موجود در قانون اساسی کشور،
- نگرش‌ها و نگرانی‌های مردمی،
- اسناد راهبردی ملی و سخنرانی‌ها.

برای ایران اولویت حفظ حکومت ایدئولوژیک از همه مهم‌تر است.

پس یک نکته مهم در اعمال تحریم‌ها، شناسایی آستانه استقامت کشور هدف به صورت دقیق است و رسیدن به این نکته که چه اندازه فشار نیاز است تا از آن آستانه بتوانیم عبور کنیم. اگر قبول کنیم که استقامت بر اساس منافع موجود قابل تغییر است، به این نتیجه می‌رسیم که سطح استقامت در گذر زمان یکسان نخواهد بود و می‌تواند بسته به شرایط تغییر کند و این مسئله یکی از اهداف اصلی و کانونی تحریم‌هاست.



مقاومت در برابر تحریم بنزین توسط ایران و شکست آن

در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ خرد جمعی در واشنگتن ایجاب می‌کرد که اعمال تحریم‌ها بر واردات بنزین ایران و سایر محصولات نفتی و بنزینی می‌تواند دولت ایران را از پای در بیاورد. نماینده جمهوری خواه سنا آقای مارک کرک که یکی از طرفداران اصلی تحریم ایران بود در سال ۲۰۱۰ استدلال کرد که قرنطینه بنزین در مورد ایران می‌تواند چنان آثار وخیمی برای این کشور داشته باشد که او را متقاعد کند برنامه هسته‌ای‌اش را کنار گذاشته و سایر فعالیت‌های پنهانش را متوقف نماید. به همین دلیل تحریم واردات بنزین ایران در قانون سسادا گنجانده شد در جولای ۲۰۱۰ این تحریم به قانون تبدیل شد اما چه اتفاقی افتاد؟! ایران به جای اینکه بلافاصله امتیاز بدهد و فعالیت‌های پنهانش را کنار بگذارد روش‌های مختلف قاچاق را در پیش گرفت و در کنار آن نیز پالایشگاه‌های خود را بازطراحی کرد تا نیاز بنزین داخلی را تأمین کند. نتیجه این کار تولید بنزینی بود که بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که به افزایش آلودگی در ایران منجر شد. پس ایران توانست از این فشار عبور کند. ناکامی در این مثال از سوی آمریکا به دلیل خود اعمال تحریم‌ها نبود، بلکه ناکامی اصلی عدم درک اهمیت این موضوع بود که ایران می‌تواند به زنده نگه‌داشتن حمل‌ونقل جاده‌ای خود ادامه دهد و از روش‌های معمول برای فائق آمدن بر مشکل تحریم‌ها استفاده کند. به عبارت بهتر ایران فشار ناشی از منع واردات بنزین را احساس کرد اما آن را قابل مدیریت کردن دانست و از آن عبور نمود.

- هدف و نیت کشورها از نپذیرفتن و مقاومت در برابر تحریم به نوعی سوق دادن فشار به خود کشور تحریم‌کننده و سیاست‌گذاران آن است، به نوعی که شاید فشار و درد وجود داشته باشد اما آثار روانی آن از بین برود. نباید فراموش کنیم که استقامت، خود تابعی از تعاملات متغیر فیزیکی و روان‌شناختی است و می‌توان آن را نتیجه برآوردهای یک‌طرفه از میزان تحملش از درد در آینده دانست و همچنین احتمال افزایش درد، همگونی آن درد و میزان شدت آن در آینده نیز باید در این محاسبه لحاظ شود. وقتی راهبردهایی برای حفظ استقامت وجود داشته باشد، کشورهایی که در معرض تحریم قرار می‌گیرند عزم خود را بالاتر برده و جایگاه خود را در این زمینه تقویت می‌کند.

شاخص‌های بالقوه نشان‌دهنده استقامت کشور هدف

- اظهارنظرهای عمومی توسط مقامات دولتی
- سطوح تبلیغاتی (پروپاگاندا) و نوع تمرکز در آن‌ها: برای مثال پیام‌های دولت ایران به جمعیت این کشور در مورد ارزش و اهمیت پروژه‌های هسته‌ای از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ را در نظر بگیرید، این پیام‌ها همیشه نماد اهمیت این پروژه‌ها به‌عنوان یک حق ملی بود؛ اما در پایان سال ۲۰۱۶ پیام‌های حاکمیت متفاوت شده بود و بیشتر بر پیشرفت کلی ملت ایران و توان این دولت در توسعه فناوری‌های جدید متمرکز بود و دیگر مثل سابق تأسیس پروژه‌ها و امکانات جدید هسته‌ای اهمیت نداشت بلکه روند کلی پیشرفت در تبلیغات مورد تأکید قرار می‌گرفت. این نوع پیام‌رسانی منطقی به نظر می‌رسید چراکه دولت ایران بسیاری از ظرفیت‌های هسته‌ای خود را واگذار کرده بود و بر اساس قرارداد برجرام بین ۱۱ تا ۱۲ سال امکان استفاده از آن‌ها را نداشت. اگر از بیرون نگاه کنیم می‌توان استدلال کرد که این نوع پیام‌رسانی وقتی آغاز شد که مذاکرات در مورد برنامه هسته‌ای شروع



گردید. این مسئله به برخی عناصر درون حاکمیت ایران این امکان را داد که بحث ملی در این قضیه را دوباره طراحی کنند و نوع آمادگی در مردم برای دادن امتیازات به جهان خارج را ایجاد نمایند. به عبارت بهتر این مسئله نشان‌دهنده این بود که نشان دادن عزم و استقامت ملی حال تبدیل به نوعی آمادگی برای دادن امتیازات به جهان خارج شده بود و اینکه اساساً استقامت ایران برای حفظ برخی از پروژه‌های قبل تضعیف شده بود...

- شاخص‌های اقتصادی
- تحولات سیاسی داخلی : بعنوان مثال و امکان حضور یافتن روحانی برای رسیدن به ریاست‌جمهوری ایران با توجه به فیلترهای فراوانی که در نظام سیاسی ایران در مورد اشخاص وجود دارد را می‌توان به‌عنوان شاخصی از تضعیف استقامت و اراده ایرانی‌ها برای ایستادگی در برابر غرب و آمادگی آن برای اتخاذ نگرش جدید تلقی کنیم.
- اطلاعات افکارسنجی در مورد احساسات مردمی و حمایت حکومت
- موضع‌گیری‌های کشور در مذاکرات بین‌المللی و جامعه جهانی
- هزینه‌های انجام تحریم برای کشور تحریم‌کننده

در مسیر انجام کار، موضوعات اجرایی بزرگی وجود دارند که بر روندهای اداری در مورد تحریم‌ها اثر می‌گذارند. این مسائل زحمات زیادی در بخش نیروی کار در جریان تحریم‌ها به وجود می‌آورد چه اینکه نیازمند جمع‌آوری اطلاعات محرمانه است به راستی آزمایی اطلاعات نیازمند خواهد بود و تحقیق و تفحص فراوانی را می‌طلبد. ضمن اینکه این مسائل به لحاظ سیاسی حساس هستند و در برخی موارد باید تصمیماتی در مورد ادامه دادن قراردادهای خصوصی، تجارت و روابط دیپلماتیک اتخاذ شود که اساساً عناصر داخلی موافق چنین تصمیماتی هستند اما درعین حال قدرت‌های خارجی با آن مخالفت می‌کنند. نکته آخر اینکه این مسائل حساسیت‌های اقتصادی زیادی را هم برمی‌انگیزد و نیازمند تصمیماتی هستند که در آن‌ها سودهای اقتصادی فعالیت‌های تجاری را برای رسیدن به یک هدف بالاتر قربانی می‌شوند.

۱- دور زدن تحریم‌ها توسط ایران و مشکل شدن کار برای آمریکایی‌ها: راهبرد ایران برای استقامت در برابر تحریم‌ها دارای اقدامات انحرافی بسیار پیچیده و گاهی سراسر بود. واسطه‌های تأمین اجناس و کالاها که برای ایران به‌صورت مخفیانه کار می‌کردند شرکت‌های صوری را در نقاط مختلف دنیا تأسیس کرده بودند که اغلب این مسئله در جاهایی اتفاق می‌افتاد که مقررات و ضوابط ملی ضعیفی بر کار شرکت‌ها حاکم بود. تأمین‌کنندگان مالی ایران نیز به طریق مشابه از خلأهای موجود در نظارت بر بخش خدمات مالی و مسائل قانونی آن استفاده می‌کردند تا مسیرهایی را برای به جریان انداختن پرداخت‌ها به ایران و ارائه ارز به این کشور به وجود بیاورند. آمریکا در جایگاهی قرار داشت که می‌توانست به دولت‌های خارجی کمک کند با برخی از این چالش‌ها مقابله کنند اما امکان مقابله با همه آن‌ها وجود نداشت. ضمن اینکه ظرفیت آمریکا نیز نامحدود نیست و تعداد تحریم‌های اعمال‌شده و اولویت‌های اعمال آن‌ها که از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ وجود داشت، گاهی آن‌قدر زیاد بود که اعمال‌کنندگان و اجراکنندگان از پس اجرای همه آن‌ها بر نمی‌آمدند. در نتیجه بسیاری از ناظران و حتی خیلی از همکاران خود من در آن سال‌ها اقدامات آمریکا در این زمینه را به یک بازی بی‌پایان تشبیه می‌کردند. البته در



بسیاری از موارد من در گزارش‌های خود به دولت ذکر می‌کردم که ما در بسیاری از این بازی‌ها برنده از میدان خارج می‌شدیم.

۲- چهره موجه ایران در جامعه جهانی در خصوص حمایت از برنامه‌های هسته‌ای: چهره ایران در آن دوران در جامعه جهانی چهره کاملاً بد و غیر مطلوبی نبود. بسیاری از کشورها خصوصاً اعضای سازمان جنبش عدم تعهد در آن سال‌ها از بسیاری از موضع‌گیری‌های ایران خصوصاً در مورد برنامه‌های هسته‌ای کشور حمایت می‌کردند. این کشورها و حتی برخی از کشورهایی که اساساً در باشگاه متحدان آمریکا قرار دارند ایران و سیاست‌هایش را برای خود و جهان تهدید نمی‌دانستند و در نتیجه آمریکا می‌بایست یک سازمان‌دهی همه‌جانبه برای اقدام بین‌المللی به وجود می‌آورد که همه کنشگران از آن حمایت کنند.

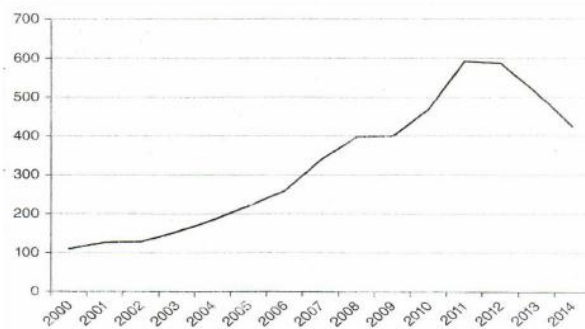
۳- وضعیت اقتصادی ایران به لحاظ فروش نفت و روابط با کشورهای آسیایی و اروپایی و موانع اجرای تحریم آمریکا: به لحاظ اقتصادی نیز ایران در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۰ در وضعیت بسیار خوبی قرار داشت. به‌عنوان یکی از عرضه‌کنندگان مهم نفت جهانی در دوران بالا بودن قیمت‌های نفت و به دلیل پیش‌بینی‌هایی که در زمینه‌ی کاهش ارزش می‌شد خصوصاً به دلیل جنگ‌هایی که در عراق و لیبی در جریان بود ایران در جایگاهی بود که بتواند در زمینه‌ی دسترسی به منابع نفتی‌اش قدرت چانه‌زنی بالایی داشته باشد. علاوه بر این خود کشور ایران یک بازار بزرگ بالقوه قلمداد می‌شود که در آن ۸۰ میلیون نفر اشتیاق فراوانی برای درگیر شدن در اقتصاد جهانی دارند. همان‌طور که قبلاً گفتیم آمریکا تلاش می‌کرد این جایگاه ایران را به خاطر برنامه‌های تحریمی موجود تضعیف کند که البته نباید دشواری‌های این کار را فراموش کنیم. بسیاری از کشورها دارای منافع اقتصادی در ایران بودند و ماهیت رقابت بین‌المللی نیز متقاعد کردن یک کشور برای بیرون کشیدن بانک‌ها و شرکت‌هایش است. این مسئله اجبار به اتمام فعالیت‌های تجاری با ایران را دشوار می‌کرد چراکه شرکت‌های کشور دیگر ممکن بود اقدام مشابهی انجام ندهند و از فرصت‌های جدید ایجاد شده در بازار ایران نهایت استفاده را ببرند. این حالت به‌صورت خاص در کشورهای شرق آسیا نمود بیشتری پیدا می‌کرد خصوصاً در جایی که تنش‌های تاریخی و قدیمی موجود بین چین، کره جنوبی و ژاپن توانایی هر کشور برای اعتماد به کشور دیگر را به‌شدت کاهش می‌داد. آموخته‌های سیاسی فراوان و اطلاع‌رسانی‌های مشخص به این سه کشور توسط آمریکا می‌توانست نقش مهمی در متقاعد کردن آن‌ها برای پیوستن به اقدامات تحریمی علیه ایران داشته باشد. نگرانی‌های مشابهی نیز در اروپا وجود داشت که البته این نگرانی‌ها از جنس رقابت میان کشورهای اروپایی نبود بلکه بسیاری از کشورهای این منطقه نسبت به تجارت خود آمریکا با ایران حساس بودند. به عبارت بهتر خیلی از اروپایی‌ها این نگرانی را ابراز می‌کردند که آمریکا صرفاً به دنبال تحریم‌هایی علیه ایران است که بتواند فرصت‌های اقتصادی برای واشنگتن در بازار ایران به وجود بیاورد و این استدلال را مطرح می‌کردند که اگر تحریم‌ها اثر کند تا اروپایی‌ها از بازار ایران بیرون بکشند شرکت‌های آمریکایی بلافاصله این جای خالی را پر خواهند کرد.



نتیجه‌ای که به دست آمد یک موفقیت بی‌نظیر بود و اقتصاد ایران با کاهش رشد تولید ناخالص ملی از ۳ درصد تا ۶/۶ درصد بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ مواجه شد. نرخ بیکاری و تورم در ایران نیز ۲ رقمی باقی ماند و در سال ۲۰۱۲ پول ملی ایران تا ۳ برابر با کاهش ارزش تنها در چند هفته مواجه شد و این مسئله به تحلیل شدید منابع ارزی این کشور منجر گردید. تحریم‌ها همچنین اصلاحات اقتصادی که احمدی‌نژاد در سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری‌اش ترسیم کرده بود را مختل کرد. آمریکا تلاش کرد رسیدن به این اصلاحات اقتصادی را تا آنجایی که می‌تواند به تعویق بیندازد و دشوار کند.

- پایین آمدن ارزش پول ملی و بالا رفتن ارزهای خارجی عملاً امکان خرید کالاها را از بسیاری از ایرانی‌ها گرفت و تنها افراد ثروتمند و کسانی که در موضع قدرت بودند می‌توانستند همچنان از منافع مرتبط بودن ایران با شبکه‌های بین‌المللی سود ببرند. به این ترتیب ارز به صورت مداوم از ایران خارج می‌شد و کالاهای تجملاتی وارد این کشور می‌شد و بحث نابرابری درآمدی و تورم روزبه‌روز در ایران قوت بیشتری می‌گرفت. این شرایط نتیجه یک انتخاب درست و تصمیمی بود که مبنای آن اعمال فشار بر دولت ایران و حاکمیت این کشور از محل منابع داخلی بود. بحران ارز در اکتبر ۲۰۱۲ نمود بیشتری پیدا کرد و مردم ایران به خیابان‌ها ریختند تا نسبت به درآمد کاهش یافته خود اعتراض کنند. آمریکا و متحدانش از دانش خود در مورد انقلاب ایران و احتمال به وجود آمدن ناهماهنگی اقتصادی به عنوان راهی عامدانه برای جدا کردن حاکمیت از مردم استفاده کردند و به این ترتیب دولت دیگر نمی‌توانست با غرور و افتخار در مورد برنامه هسته‌ای‌اش تبلیغ کند چراکه این تبلیغات هزینه بیشتری در انتظار عمومی برایش داشت.

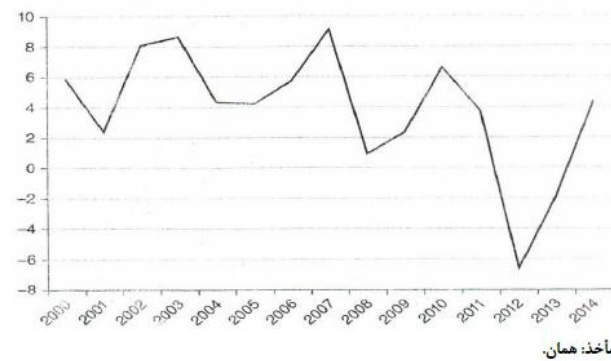
نمودار ۱. تولید ناخالص ملی ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ (میلیارد دلار)



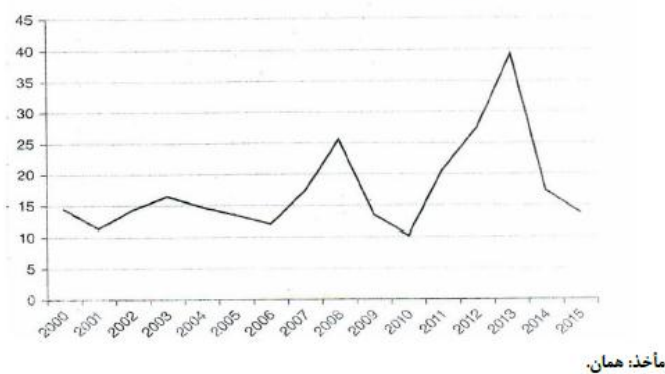
مأخذ: بانک جهانی، شاخص‌های توسعه جهانی.



نمودار ۲. نرخ رشد تولید ناخالص ملی ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ (درصد)



نمودار ۳. نرخ‌های تورم ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ (درصد)



مدیریت داخلی ناکارآمد؛ عامل تشدید اثرات تحریم

برنامه تحریم‌های آمریکا نتایج دیده نشده و حاشیه‌ای نیز به وجود آورد که توانست به واشنگتن برای افزایش حس فشار و عدم آسایش در درون اقتصاد ایران کمک کند. برخی از این آثار کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و اصلاً مورد هدف آمریکایی‌ها نبودند، اما نقش بسیار مهمی در تغییر محاسبات دولت ایران و تغییر در افکار عمومی داشته‌اند. برای مثال افزایش قیمت مرغ در سال ۲۰۱۲ از این دست مسائل بود. آمریکا هیچ‌گونه تحریمی علیه واردات مرغ ایران وضع نکرده بود اما قیمت مرغ در سال ۲۰۱۲ به دلیل تورم ایجاد شده از ناحیه تحریم‌ها بالا رفت گرچه یک دلیل آن نیز سوء مدیریت اقتصادی در ایران بود. افزایش قیمت به یأس بیشتر عمومی منجر شد، یأسی که حتی در سال‌های متمادی تحریم‌های مالی مشاهده نشده بود. افزایش قیمت مرغ درست در ایام تعطیلات در ایران به وجود آمد که در آن مرغ اهمیت بسیار بالایی دارد و درست مانند حالتی است که در اواسط ماه نوامبر قیمت بوقلمون در آمریکا سه برابر شود. این افزایش قیمت حس معمول بودن را که حاکمان ایران به دنبال حفظ آن در افکار عمومی بودند به شدت تحت تأثیر قرار داد. افزایش قیمت مرغ صرفاً به خود کالای مرغ مربوط نبود، بلکه در تمام کالاهای کشاورزی و پزشکی و دیگر کالاهای مصرفی نیز



اثر گذاشت. تحریم‌هایی که تلاش می‌کنند تورم را بالا ببرند عملاً هزینه زندگی برای شهروندان متوسط را بالا خواهند برد.

استقامت ایرانی در مقابل تحریم‌ها و حفظ حقوق هسته‌ای کشور تا پیش از دوران روحانی

در دوره قبل از انتخاب روحانی هنوز ایران به زانو درنیامده و سرنوشت خود را نپذیرفته بود. ایرانی‌ها تلاش کردند حس حمایت مردمی و دولتی از برنامه هسته‌ای را به حداکثر ممکن برسانند. مثلاً در سال ۲۰۰۷ دولت ایران روی پول ملی خود تصویر تأسیسات هسته‌ای را چاپ کرد و در پشت اسکناس نقشه‌ای از تأسیسات کلیدی هسته‌ای بر روی نقشه ایران چاپ شد. رئیس‌جمهور وقت ایران محمود احمدی‌نژاد حتی تلاش کرد برای پاسداشت دستاوردهای هسته‌ای این کشور چند روز تعطیل را در تقویم بگنجانند. او در روز فناوری هسته‌ای در ۳ آوریل در چند مقطع مختلف تأسیسات هسته‌ای متفاوت را در نقاط مختلف افتتاح کرد. با قرار دادن برنامه هسته‌ای در معرض حمایت عمومی، محمود احمدی‌نژاد سعی می‌کرد شرایطی را ایجاد کند که چه برای دولت او و چه برای دولت‌های بعدی امکان مصالحه بر سر برنامه هسته‌ای وجود نداشته باشد و این برنامه در آینده نیز ادامه پیدا کند. این قضیه امروز نیز مردم ایران را تحریک می‌کند. در سال ۲۰۰۷، ۷۸ درصد مردم ایران حامی توسعه انرژی هسته‌ای بودند و در سال ۲۰۱۴، ۷۵ درصد ملت ایران اعتقاد داشتند که کشور باید بتواند فناوری هسته‌ای خود را توسعه و گسترش بدهد. در آن زمان فناوری هسته‌ای به یک حق مسلم تبدیل شده بود و منابع اورانیم کشور نیز از تقدس بالایی برخوردار شده بود و دستاوردهای ایران و دانشمندان به‌عنوان دستاورد کل ملت قلمداد می‌شد. حمله به دانشمندان هسته‌ای ایران توسط مهاجمان ناشناس در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ این اعتقادات عمومی به برنامه هسته‌ای را تقویت کرد و قربانیان قتل‌های مذکور شهدای ملی نام گرفتند.

اقدامات ایران در مقابله با تحریم‌ها و تبدیل تهدید به فرصت و حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی

۱. دولت ایران نیز تلاش کرد حس معمول بودن وضعیت اقتصادی را در قسم اعظمی از زمان تحریم‌ها به نمایش بگذارد. مقامات دولتی آمار اقتصادی مطلوب را مدام تبلیغ می‌کردند، خصوصاً آن‌هایی که در دوره تحریم آسیبی ندیده بودند.
۲. در کنار این مسئله دولت قراردادهایی را با کشورهای مختلف به امضا رساند تا نشان دهد که اقتصاد ایران آسیبی ندیده و به کار معمول خود ادامه می‌دهد.
۳. ایرانی‌ها از فرصت ایجاد شده از تحریم‌های بین‌المللی برای ایجاد یک برنامه اصلاحاتی و آزادسازی اقتصاد و مصون کردن آن در برابر تحریم‌های خارجی استفاده کردند و درست در همان زمان ایران تلاش می‌کرد انسجام درونی را از طریق دعوت مردم به اقتصاد مقاومتی و پایان دادن به آثار تحریم‌ها از طریق دور زدن آن‌ها افزایش دهد.



۴. همچنین اقداماتی نیز برای تلافی تحریم‌ها انجام داد نظیر ممانعت از پرواز برخی از شرکت‌های هواپیمایی اروپایی به ایران خصوصا بعد از اینکه اتحادیه اروپا مانع از پرواز برخی از هواپیماهای ایران ایر به اروپا شد.
۵. تحریم‌ها همچنین کمک کردند اقتصاد ایران در مسیر مثبتی قرار بگیرد. برای مثال تلاش آمریکا برای کاهش صادرات نفت خام در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ را در نظر بگیرید. این تحریم فشار چشمگیری بر اقتصاد ایران وارد کرده و تا حدود زیادی باعث شد ایرانی‌ها به دنبال یک قرارداد برای حل و فصل موضوع باشند. صادرات نفت و گاز به عنوان تأمین‌کننده بیش از ۸۱ درصد تولید ناخالص ملی در ایران نقش مهمی در سال ۲۰۱۱ داشت و می‌توانست هدف جذابی برای تحریم‌های آمریکایی باشد. در عین حال اعمال فشار تحریم‌ها در این حوزه می‌توانست به توسعه بخش‌های غیرنفتی ایران نیز بیانجامد، خصوصا بخش سیمان. این توسعه کمک کرد دولت از برخی آثار دفعی تحریم‌های نفتی مصون بماند چه اینکه دولت تلاش کرد فرصت‌های جدیدی را در بازار برای محصولات تحریم نشده خود پیدا کند. عملا ایران توانست حضور خود و کالاهای غیرنفتی‌اش در این بازارها را به صورت مستقیم بر اثر تحریم‌ها افزایش دهد یعنی تحریم‌هایی که توانایی این کشور برای صادرات یک کالا را محدود کرده بود به توسعه توانایی ایران در کالاهای دیگر انجامید. پس اینجا بالاتر از نشان دادن استقامت، ایران توانسته بود از طوفان تحریم‌ها نیز بگریزد.

ثمره تلاش‌های هسته‌ای کشور در مذاکرات و توافقنامه هسته‌ای

در سال ۲۰۱۳ آمریکا و ایران به همراه متحدانشان در سراسر جهان در یک بزنگاه مشخص و دردسرساز قرار گرفته بودند. ایران به سهم خود توانسته بود نشان دهد که حاضر است از برنامه هسته‌ای خود دفاع کند و ضمنا به جهان نیز فهمانده بود که خواهان توافقی است که در آن بتوانند بخش‌های زیادی از برنامه فعلی هسته‌ای خود را حفظ نمایند. به عبارت بهتر ایران هزینه و بهای برنامه هسته‌ای خود را بالاتر برده بود و به آن به عنوان چیزی بیش از یک اولویت ملی می‌نگریست و عملا به دنیا اثبات کرده بود که این کشور حاضر نیست تمام ظرفیت‌های هسته‌ای خود را واگذار کند. این کشور خط قرمزهای مختلفی برای یک توافق آتی ترسیم کرده بود و نشان داده بود که مثلا پیشرفت در برنامه هسته‌ای ایران تحت هر شرایطی باید اتفاق بیفتد و این برنامه نمی‌تواند به هیچ وجه به عقب برود. به عبارت بهتر ایران نه تنها هزینه‌های بازی را با ساخت هر سانتریفیوژ بالا برده بود بلکه ارزش این برنامه را نیز برای خود در سطح بالاتری به دنیا نشان داد.

فرسایشی شدن اثرات تحریم بر اقتصاد ایران

در سال ۲۰۱۳ هم آمریکا و هم ایران به عینه می‌دیدند که عدم اطمینان بسیار زیادی در مسیر پیش رو وجود دارد و هیچ تضمینی نیست که سیاست‌های آن‌ها بتواند نتایج مطلوبی در ادامه به همراه داشته باشد. در عوض از طریق گفتگوهای محرمانه‌ای که در عمان آغاز شد و سپس در سوئیس و آمریکا ادامه پیدا کرد، آمریکا و ایران تلاش کردند به راه حل مسالمت‌آمیزی در این زمینه برسند و کار را تمام کنند.

پالس‌های منفی روحانی برای مذاکره

روحانی خیلی صریح به عموم اعلام کرد که نظام بانکی در حال ورشکستگی است و صریحا اعلام کرد که هیچ برنامه اصلاحات اقتصادی نمی‌تواند به اندازه تلاش برای راحت شدن از شر تحریم‌ها به این کشور کمک کند. روحانی این مسئله



را شعار انتخاباتی خود قرار داده بود و عقلا در ایران نیز می‌دانسته‌اند که برای حفظ نظام در ایران باید برای از بین بردن تحریم‌ها تلاش کنند.

دلیل مطرح‌شدن سپاه در اقتصاد ایران

تحریم‌های آمریکا و خصومت با سپاه این فشار را به نظام ایران وارد کرد که هم بر سپاه بیشتر متکی شود و هم آن را مورد حمایت قرار دهد. سپاه ابزار اصلی ایران برای تأمین ابزارهای حساسی بود که تحت تحریم‌ها قرار گرفته بودند به این ترتیب سپاه به قهرمان حاکمیت ایران تبدیل شده و منافع اقتصادی ناشی از فعالیت‌های قاچاق را هم به خود اختصاص می‌داد. به همین دلیل به موازات اینکه ایران در برابر فشارهای اقتصادی فقیرتر و آسیب‌پذیرتر می‌شد، سپاه از قدرت بیشتری برخوردار می‌گردید. با توجه به پاسخ سپاه به تحریم‌ها و قرار گرفتن این نیرو در کانون مسائل ایران، صرفاً می‌توان گفت که رویکرد آمریکا در برابر سپاه توانست میزان قدرت این نیرو را افزایش داده و کنترل این نهاد را بر ایران و امور این کشور بالاتر ببرد. نکته مهم‌تر اینکه بسیاری از ناظران فعالیت‌های ایران در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۵ و خصوصاً برخی در دولت آمریکا اصلاً از مسئله قدرت‌گیری سپاه شگفت‌زده نشدند.

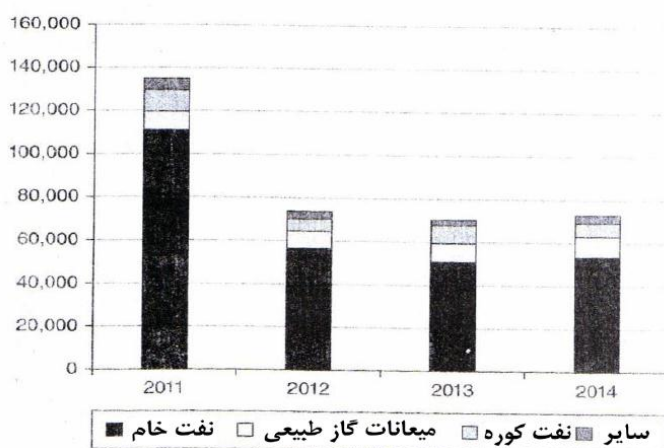
شرایط نسبتاً خوب اقتصاد ایران در آستانه برجام؛ استدلال موافقان برجام در آمریکا

سؤال این نیست که آیا برجام خوب بوده است یا نه بلکه سؤال اصلی این است که آیا فشار بیشتر می‌توانست نتایج بهتری را به همراه داشته باشد، یعنی اگر دامنه، مدت‌زمان و شدت محدودیت‌های موجود بر ایران در برجام افزایش می‌یافت آیا می‌توانست ایران را وادار به دادن امتیاز بیشتر کند. طرفداران برجام معتقدند تحریم‌های بیشتر نمی‌توانست الزاماً توافق بهتری را به همراه داشته باشد، حتی اگر امکان اعمال چنین فشار بیشتری وجود می‌داشت. بسیاری از طرفداران برجام معتقدند در زمان شروع مذاکرات برای این سند فشار ناشی از تحریم‌ها بر روی ایران در حال از دست رفتن بود و توقعات موجود در این کشور نیز حالت منطقی‌تری به خود می‌گرفت. استدلال اصلی این نگرش به انتخاب آقای حسن روحانی به ریاست جمهوری در ژوئن ۲۰۱۳ مربوط می‌شود، چه اینکه این شخص کارشناسان مختلف در حوزه‌های فنی و اداری را برای اداره کشور انتخاب کرد که همین افراد می‌توانستند با شرایط بهتر کنار بیایند؛ اما بخش دیگری از استدلال به نقطه اوجی مربوط می‌شود که تحریم‌ها در سال ۲۰۱۳ به آن رسیده بودند. شاخص‌های مختلف این قضیه را تأیید می‌کند. حتی مخالفان برجام نیز تا حدودی به این قضیه اذعان دارند. سه شاخص مهم در اینجا عبارت‌اند از: ثبات فزاینده صادرات نفت ایران که البته در سطوح پایین‌تری نسبت به قبل از سال ۲۰۱۱ اتفاق افتاده بود. دوم افزایش تجارت غیرنفتی با ایران که البته این افزایش تجارت در سطحی نبود که بتواند جبران از دست رفتگی درآمدهای نفتی ایران را کند و سوم بازدهی اصلاحات اقتصادی که ایران قبل از سال ۲۰۱۳ انجام داده بود، نظیر کاهش یارانه‌ها و کنترل قیمت‌ها در حوزه محصولات انرژی و برنامه‌ریزی‌هایی که برای خصوصی‌سازی اقتصاد انجام می‌شد. توقع میزان درد و فشار برای موافقان برجام البته در این نقطه اوج باقی‌نماند و بعد از آن کاهش پیدا کرد. توقعات موجود در سیاست‌گذاران این است که اگر تحریم‌ها از این نقطه فشار عبور می‌کرد و فشار آن پایین می‌آمد تبعات آن می‌توانست مانند تبعات تحریم‌های عراق در دهه ۱۹۹۰ باشد. سیاست‌گذاران علاوه بر آن به فکر ریسک استهلاک تحریم‌ها نیز بودند که می‌توانست به ایران کمک کند منافع از بین رفتن تحریم‌ها را بدون دادن هزینه‌ای در اختیار بگیرد. علم اقتصاد نیز در این محاسبات نقش ایفا کرد.



در زمانی که مذاکرات با ایران در سال ۲۰۱۳ آغاز شد، نفت هنوز بشکه‌ای بیش از ۱۰۰ دلار معامله می‌شد و به زبان ساده اقتصادی می‌توان گفت این قضیه می‌توانست به نفع ایران باشد.

نمودار ۴. تراز تجاری ایران، صادرات (تن مکعب) از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ (به دلار آمریکا)



مأخذ: مقاله مشورتی صندوق بین‌المللی پول در مورد ایران (موسوم به آرتیکل فور)، ۲۰۱۴.

بدون برجام، استقامت ایرانیان و شکست تحریم‌ها

مدافعان برجام به هیچ‌وجه به صورت مطلق اعتقاد نداشتند که فشار بر ایران می‌توانست افزایش پیدا کند، بلکه معتقد بودند مخالفان برجام درک درستی از میزان استقامت ایران در برابر تحریم‌ها ندارند. این استدلال بر سه بنیان اصلی استوار بود. نخست اینکه ایران آماده بود در دفاع از برنامه هسته‌ای خود فشار چشمگیری را بپذیرد، چه اینکه این برنامه به یک دارایی ارزشمند تبدیل شده بود. دوم اینکه ایران معتقد بود می‌تواند بهتر از آمریکا و متحدانش عمل کرده و روی دست آن‌ها بلند شود که این مسئله به خوبی در افزایش تعداد سانتریفیوژها و صبر و تحمل ایران مشخص است و سوم اینکه ایران اساساً تمایل و قابلیت سازش کردن با آمریکا به عنوان یک دشمن منفور، خصوصاً در مورد موضوعات مهم منطقه‌ای و داخلی را ندارد. این سه عامل با هم ترکیب شده تا نوعی دورنمای استقامت گسترده را در ایران به وجود آورد و امکان پا پس کشیدن ایران را کمتر کند و توان دادن امتیازات بیشتر توسط مذاکره‌کنندگان ایرانی را از آن‌ها بگیرد.

راهبرد تحریم

راهبرد تحریم‌ها بر یک بنیان اصلی استوار است یعنی ترکیب فشارهای مختلف را می‌توان بر یک کشور اعمال کرد تا بر استقامت آن فائق آمده و او را وادار به تغییر سیاست کرد. شناسایی نقطه بهینه‌ای که در آن فشار تحریم‌ها و استقامت کشور از یک توازن کافی برای رسیدن به سازش برخوردار است بسیار سخت خواهد بود.

اهمیت ابزار تحریم در سند راهبرد امنیت ملی سلب ۲۰۱۵



با اعمال تحریم‌ها ما می‌توانیم هزینه مناسبی را بر متجاوزین اعمال کنیم. تحریم‌های اقتصادی هدفمند ابزاری مناسب برای تحمیل هزینه بر آن کنشگران غیرمسئول است که دست به تجاوز نظامی، اشاعه پنهانی و یا خشونت و تهدید علیه قوانین بین‌المللی و هنجارها زده‌اند و همچنان مایل هستند این روش را دنبال کنند. ما از تحریم‌های چندجانبه چه از طریق سازمان ملل اگر ممکن باشد و چه از تحریم‌های تک جانبه در صورت نیاز استفاده خواهیم کرد. ما به طراحی دقیق تحریم‌ها ادامه خواهیم داد تا به اهداف مشخصی دست پیدا کنیم، در عین اینکه تبعات ناخواسته این قضیه را برای دیگر بازیگران اقتصادی و اقتصاد جهانی و جمعیت جهانی به حداقل ممکن برسانیم. در بسیاری از موارد استفاده ما از تحریم‌های هدفمند و سایر ابزارهای اجبارگرایانه نه تنها به منظور پاسداشت هنجارهای بین‌المللی است بلکه نقش بازدارندگی از تهدیدهای موجود برای ثبات و نظم منطقه‌ای را نیز در نظر داریم.

آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ایران از زبان نفیو

به‌طور مشخص بعد از ۱۱ سال اعمال تحریم‌های فعال، آمریکا و جامعه جهانی آسیب‌پذیری‌های ایران در مورد تحریم‌ها را به‌خوبی شناخته‌اند. نفت و گاز دو صنعت مهم ایران هستند و صنایعی چون پتروشیمی، خودروسازی و کالاهای مصرفی و هیدروکربن‌ها نیز در این زمینه اهمیت زیادی دارند. ایران بحث اصلاحات اقتصادی را ادامه می‌دهد که البته با توجه به ماهیت بحث‌های خصوصی‌سازی و حضور عناصری چون سپاه و نگرانی‌های آن‌ها در مورد نقششان در اقتصاد ایران این برنامه اصلاحات با تزلزل پیش می‌رود. بخش مالی ایران نیز هنوز بسیار شکننده است و به دلیل استقراض‌های نامناسب و سرمایه‌گذاری‌های ضعیف در معرض ورشکستگی است. رفع تحریم‌ها تحت سند برجام هنوز به ایران امکان ترمیم کامل این بخش‌ها را نداده است. از این منظر هنوز ایران آسیب‌پذیری‌های فراوانی نسبت به تحریم‌ها دارد؛ اما از طرف دیگر توانایی آمریکا و کشورهای دیگر برای استفاده از این گزینه‌ها به دلیل توافق برجام محدود شده است. از طرفی میدانیم که ایران لجاجت زیادی را در مقابله با تلاش‌های ما برای پرداختن به دخالت‌های منطقه‌ای را دارد، حتی اگر تحریم‌های ما می‌توانست در این زمینه اعمال شود ایران به‌شدت با این‌گونه دخالت‌ها مخالفت می‌کند.

دلایل شکست احتمالی آمریکا در تحریم فعالیت‌های منطقه‌ای ایران

حتی اگر تحریم‌ها منجر شود ایران به‌صورت کامل دست از حمایت از حزب‌الله بردارد ایجاد یک اجماع کامل جهانی در مورد این فعالیت‌های ایران مأموریتی است که تا به حال هیچ‌کدام از رئیس‌جمهورهای جمهوری خواه و دمکرات در آمریکا نتوانسته‌اند آن را انجام دهند. برای مثال آمریکا برای دهه‌های متوالی حزب‌الله را تحریم کرده است، اما اتحادیه اروپا چنین تحریم‌هایی را فقط از پنج سال پیش علیه این سازمان اعمال نموده است و صرفاً هم این تحریم‌ها بر شاخه نظامی حزب‌الله اعمال شده است و برای حزب‌الله نیز بسیار راحت خواهد بود که منابعش را از شاخه نظامی به شاخه‌های دیگر منتقل کند و ناگفته پیداست که چنین تحریم‌هایی چندان اثرگذار نخواهد بود؛ اما همین تحریم نیز مدت‌ها طول کشید تا شکل بگیرد. بنابراین باید این مسئله را در نظر داشت که نگاه جهان به ایران مانند نگاه آمریکا نخواهد بود، خصوصاً با توجه به حمایت ایران از جنگ در برابر داعش و سایر گروه‌های تروریستی در سوریه که در کنار حمایت ایران از اسد اتفاق افتاده است، ضمن اینکه تمایل ایران برای حفظ استقلال در منطقه خاورمیانه ایجاد فشار به ایران را دشوارتر خواهد کرد.



اگرچه آمریکا و متحدانش در خاورمیانه از این واقعیت ناخرسندند که فعالیت‌های ایران در سوریه بیشتر جهت منافع شخصی ایران است، اما کشورهای دیگر نگاه متفاوتی به این مسئله سوریه دارند، خصوصا اروپا که با بحث موج مهاجمان از سوریه و خاورمیانه مواجه است.

خودتحریمی ناشی از همکاری با از زبان نفیو

بانک‌های ایرانی فعال در انگلستان برای مثال از معامله با برخی از نهادها و اشخاص در ایران به خاطر ریسک تحریم‌ها اجتناب می‌کنند. اقدام یکی از بانک‌های ایرانی برای همکاری با FATF در سال ۲۰۱۶ به دلیل اجتناب از ریسک مشکلات بانکی در درون ایران خبرساز شد. این اقدام بر اساس همان فرضیات تحریمی آمریکا شکل گرفت و نشان‌دهنده رویکرد مقامات آمریکایی در دهه گذشته بود؛ یعنی اگر ایران می‌خواهد در اقتصاد بین‌المللی مشارکت داشته باشد باید به معیارها و استانداردهای آن نیز پایبند باشد.

مقابله روسیه با تحریم‌ها از طریق کاهش واردات و بازار جدید صادرات

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در آوریل ۲۰۱۵ اعلام کرد که درآمدهای نفتی از دست رفته حدود ۱۶۱ میلیارد دلار به اقتصاد این کشور ضرر زده است و حفره عظیمی در درآمد ۳۵۰ میلیارد دلاری که روسیه از صادرات انرژی که این کشور در سال‌ها به آن انس گرفته بود وارد کرده است. با همه این‌ها اقتصاد روسیه یک سنت قدیمی داشت که می‌توانست با کم کردن واردات، کمبودهای حوزه صادرات را جبران کند. سیاستی که با اعمال تحریم‌های جبرانی دولت روسیه علیه اروپا شدت بیشتری گرفت. لذا اقتصاد روسیه توانست نوعی توازن را از طریق کاهش واردات با درآمد از دست رفته در صادرات در سال ۲۰۱۴ ایجاد کند و از آثار سوء این مسئله در ارزش پول ملی خود جلوگیری کند، کاهشی که البته در پاییز ۲۰۱۴ شروع شد و تا اوایل سال ۲۰۱۵ ارزش روبل کاهش پیدا کرد. روس‌ها تلاش کردند بازارهای جدیدی برای صادرات انرژی خود پیدا کرده و منابع مالی جدیدی را برای آن ایجاد کنند تا صرفا به آمریکا و ایالات متحده متکی نباشند. در دسامبر ۲۰۱۵ روسیه برنامه‌های خود را برای صدور اولین اوراق قرضه دولتی در چین اعلام کرد که ظاهرا یک میلیارد دلار ارزش داشت. بانک‌های خصوصی روسیه نیز از سال ۲۰۱۳ اقدامات مشابهی را انجام دادند. گزارش‌های مشابهی نیز وجود داشته که روسیه و چین روابط خود در حوزه گاز طبیعی را افزایش خواهند داد و ارزش معاملات در این حوزه را به چهارصد میلیارد دلار در بلندمدت خواهند رساند. راهبرد روسیه مدیریت مشکل از طریق بی‌اثر کردن تحریم‌هاست و کمتر به نگرانی‌های اروپا و آمریکا در این زمینه توجه دارد. روس‌ها همچنین تلاش کردند از شتاب تحریم‌ها کم کنند و برای این کار به دولت‌های اروپایی خصوصا آن‌هایی که می‌توانند اجماع اروپایی علیه روسیه را بشکنند نزدیک شدند ضمن اینکه تلاش کردند با توافقنامه‌های آتش‌بس در اوکراین همکاری بیشتری انجام دهند تا بهانه را از دست کسانی بگیرند که به دنبال فشار بیشتری علیه روسیه در اروپا و آمریکا هستند. البته ترس مستمر برخی از اروپایی‌ها از اینکه ممکن است تحریم‌ها علیه روسیه از کنترل خارج شود و امکان دارد روسیه جریان گاز بر روی اروپا را قطع کند به روس‌ها در این زمینه کمک کرده است، درحالی‌که همه می‌دانند این کارها ضربه شدیدی به اقتصاد روسیه خواهد زد. پس از منظر فشار و استقامت، استقامت روس‌ها بسیار قوی به نظر می‌رسد و یا حداقل در سطح قضیه و در ظاهر چنین به نظر می‌آید.



نتیجه‌گیری: شش مرحله اصلی برای موفقیت تحریم‌ها

توضیحات	چارچوب مرحله‌ای
این کار می‌بایست با دقت و شفافیت بالایی انجام شود. در واقع اگر بخواهیم نظام تحریم را بدون اهداف خاص آن تعریف کنیم این نظام تحریم هیچ اثری نخواهد داشت و بی‌فایده خواهد بود. در این مرحله لازم نیست این اقدامات حداقلی را به کشور هدف ابلاغ کنیم.	شناسایی اهداف اعمال تحریم و تعریف گام‌های بازگشتی حداقلی از طرف کشور هدف به طوری که آن کشور بتواند از طریق آن‌ها فشار را از روی خود بردارد.
این کار نیازمند تحلیل عمیق و دقیق کشور هدف و تعریف اولویت‌های ملی آن با شفافیت حداکثری است. نکته موجود در اینجا صرفاً این نیست که توالی ریاضیاتی دقیقی از منافع کشور هدف را به وجود بیاوریم بلکه مهم درک این نکته است که هدف سیاست‌های تحریم دقیقاً کجاست و قرار است در این سلسله‌مراتب چه نقاطی را تحت تأثیر قرار دهد. برای ایجاد این سازه بهتر است درکی هرچه کامل‌تر و جامع‌تر از تاریخ و فرهنگ کشور مورد نظر داشته باشیم و از ایجاد تخمین‌های سطحی و اغراق‌گرایانه در مورد اهمیت یک اولویت یا منفعت ملی اجتناب کنیم. توجه ویژه نیز می‌بایست به این نکته داده شود که از مقایسه نکته به نکته آن کشور با وضعیت خودمان پرهیز کنیم و به هیچ‌وجه خودمان را در جای آن کشور قرار ندهیم و به عبارت بهتر فکر نکنیم که کشور تحریم شده ذهنیتی مشابه در مورد مشکلات با کشور تحریم کننده دارد.	درک حداکثری ماهیت کشور هدف از جمله آسیب‌پذیری‌ها و منافع و تعهدش به هر آن کاری که باعث تحریم‌ها شده است و آمادگی آن کشور برای جذب فشار.
در واقع سیاست‌گذاران می‌بایست میزان آمادگی خود برای اعمال فشار بر رقیب را کاملاً تعریف کنند تا بتوانند بر کشور تحریم شده غلبه کنند. سیاست‌گذاران می‌بایست از پیش بدانند که آیا آمادگی برای ورشکست کردن کشور هدف را دارند به نحوی که به هر حال مردم آن به فقر مطلق بیفتند. استقامت کشور تحریم کننده و درک میزان استقامت در کشور رقیب نیز در ایجاد موفقیت نقش مهمی دارد.	ایجاد راهبردی دقیق، روشمند و دارای بازدهی برای افزایش تدریجی فشار بر نقاطی که آسیب‌پذیری در آن وجود دارد در عین اجتناب از نقاطی که آسیب‌پذیری ندارند.
این کار می‌بایست با جمع‌کردن عناصر اصلی در مورد استقامت شکل بگیرد به نوعی که تصویری از میزان اثرگذاری تحریم‌ها ایجاد شود و سنجش میزان فشار نیز به دست بیاید.	رصد اجرای تحریم‌ها و ارزیابی دوباره و مستمر فرضیات ابتدایی موجود در مورد استقامت کشور هدف، اثرگذاری تحریم‌ها در پایین آوردن این



توضیحات	چارچوب مرحله‌ای
<p>هر نظام تحریمی که برای رسیدن به راه‌حل سیاسی و دیپلماتیک طراحی می‌شود و نه صرفاً برای اعمال درد سادیسمی بر کشورها، نیازمند ایجاد نوعی گفتگو با کشور هدف خواهد بود. برای اینکه تحریم‌ها اثر کافی و لازم را داشته باشند و نقشی در ایجاد راه‌حل ایفا کنند کشور تحریم کننده می‌بایست در نوع اطلاع‌رسانی به کشور هدف کاملاً صریح و مشخص باشد و در مورد تحریم‌ها به او توضیح داده و چگونگی رفع آن‌ها را نیز برایش تعیین نماید.</p>	<p>استقامت و چگونگی بهبود دادن راهبرد تحریم. پنجم؛ ارائه یک نقشه راه مشخص به کشور هدف در مورد شرایط لازم برای رفع تحریم‌ها و همچنین پیشنهاد دنبال کردن مذاکره برای رسیدن به توافقی که بتواند فشار تحریم‌ها را کنار بزند، در عین اینکه نیازهای کشورهای تحریم کننده را برطرف کند.</p>
<p>در هر حالت یک کشور می‌بایست آمادگی پذیرش شکست یا تغییر مسیر را داشته باشد یا به مسیر فعلی خود ادامه داده و ریسک تبعات بلندمدت آن را به جان بخرد. این مرحله به صورت خاص برای تحریم‌ها منظور شده است. نباید فراموش کنیم که هیچ کشوری بدون ارزیابی هزینه‌ها و منافع جنگ و بدون انجام دادن فرآیندهای دیپلماتیک معمول وارد جنگ نخواهد شد و تحریم‌ها نیز می‌بایست از روش مشابهی تبعیت کنند.</p>	<p>پذیرش این واقعیت که فارغ از خوب بودن نظام تحریم‌ها، کشور تحریم کننده ممکن است به دلیل نواقص ذاتی موجود در راهبرد یا عدم درک مناسب از هدف یا بالا رفتن استقامت کشور هدف در تحریم‌های خود با شکست مواجه شود. در هر حالت یک کشور باید آمادگی پذیرش شکست یا تغییر مسیر را داشته باشد یا به مسیر فعلی خود ادامه داده و ریسک تبعات بلندمدت آن را به جان بخرد.</p>